

هاشمی رفسنجانی  
کارنامه و خاطرات  
سال ۱۳۶۳

# به سوی سرنوشت

به اهتمام:  
محسن هاشمی



نشر معارف انقلاب  
۱۳۸۵

# سوی سرنوشت

ISBN 964-7193-11-4

فهرست نویسی براساس اطلاعات قیفا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱- هاشمی رفسنجانی، اکبر ۱۳۱۳- خاطرات

۲- هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳،

یادداشتها، ۲، ایران- تاریخ - جمهوری اسلامی،

۱۳۵۸- خاطرات، الف. هاشمی بهرمانی، محسن، ۱۳۴۰-

ب. عنوان. ج. عنوان: به سوی سرنوشت کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۲.

کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۲.

۹۵۵/۰۸۴۲۹۲

DSR ۱۶۷۰/۵۲۲۳

۱۳۸۵

۴۹۳۹۹-۸۵ م

کتابخانه ملی ایران



هاشمی رفسنجانی  
به سوی سرنوشت  
کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳

به اهتمام: محسن هاشمی

ویراستار: قادر باستانی

طرح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب  
طراحی جلد و صفحات اول: کارگاه گرافیک سپهر  
لیتوگرافی: هارت

چاپ و صحافی: تصویر گیلان

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۸۵

قیمت: ۷۰ / ۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است

شابک ۹۶۴ - ۷۱۹۳ - ۱۱ - ۴



دفتر نشر معارف انقلاب

تهران - خیابان شهید باهنر، خیابان یاسر، خیابان سوده  
کوچه شهید امیدیان تلفن ۲۲۲۸۴۰۰۷ فاکس ۲۲۲۸۵۷۶۰

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان      |
|------|------------|
| ۹    | حرف اول    |
| ۲۴   | مقدمه ناشر |
| ۲۷   | فروردين    |
| ۷۲   | ارديبهشت   |
| ۱۱۷  | خرداد      |
| ۱۶۱  | تير        |
| ۲۰۱  | مرداد      |
| ۲۵۵  | شهریور     |
| ۳۰۱  | مهر        |
| ۳۴۵  | آبان       |
| ۳۹۷  | آذر        |
| ۴۴۲  | دی         |
| ۴۷۹  | بهمن       |
| ۵۱۳  | اسفند      |
| ۵۵۵  | ضمایم      |
| ۶۴۲  | نمایه      |

# حرف اول

بسم الله الرحمن الرحيم

سال ۶۳ در مقایسه با سال‌های قبل و بعد، دارای ویژگی‌هایی است که هر یک به سهم خود منشاء تحولات است. در این سال نیز جنگ تقریباً همه امور کشور را تحت الشعاع داشت و در صدر همه مسائل و مورد همه توجهات بود. امکانات محدودی که داشتیم، در درجه اول به جنگ داده می‌شد. عملاً تحت تحریم بودیم و عمدتاً متکی به امکانات خود و دشمنان تلاش زیادی داشتند که مانع بهره‌گیری از امکانات داخلی مان هم بشوند. به چند مسئله مهم کشور در این سال در مقدمه اشاره می‌کنم:

## ۱- دفاع مقدس

در جبهه‌های جنگ، توجه ویژه به آماده کردن مقدمات برای عملیات سرنوشت ساز متمرکز

بود و آثارش را در سال‌های بعد نشان داد. طبعاً در این دوره زمانی آماده شدن، حالت رکود همراه با حوادث مهم چالشی و خطرناک حاکم بود و این اسم می‌تواند شایسته نامگذاری این سال باشد: به سوی سرنوشت

بعد از عملیات خیبر در پایان سال ۶۲ و اوایل سال ۶۳، وضع کاملاً جدیدی پیش آمد. با تصرف جزایر مجنون و هور هویزه و تصرف موقت ساحل دجله، مشخص شد که نیروهای مسلح ایران، قدرت عبور از استحکامات دشمن و تصرف نقاط حساس عراق را دارند. به خصوص منطقه هور و جزایر - که یکی از حوزه‌های مهم نفت‌خیز عراق است - و قطع جاده بغداد و بصره - گرچه موقت - نشان از آسیب‌پذیری ارتش بعث عراق به حساب آمد و این شاهراه حیاتی عراق در تیررس نیروهای ما قرار گرفت و ناامن شد و عراق برنامه ساخت جاده دیگری در غرب دجله را آغاز کرد.

ابتکارات ناشناخته لجستیک نظامی ایران در عبور از هور و نيزارها و ساخت و نصب پل مهم و استراتژیک ۱۳ کیلومتری خیبر و وصل جزیره مجنون به خاک ایران - آن هم زیر آتش مستقیم دشمن - تبلور بخشی دیگر از قدرت صنایع نظامی ایران و پشتیبانی عملیات بود که توجه محافل نظامی و استراتژیک جنگ را متوجه خود کرد.

مطرح شدن عملیات سرنوشت ساز به عنوان راه ختم جنگ و احقاق حق ایران و تنبیه متجاوز، از دید ناظران سیاسی و نظامی جدی گرفته شد و عملی بودن آن را در آن شرایط، دور از انتظار نمی‌دانستند. اگر چه ما رسماً چنین چیزی را مطرح نکرده بودیم اما بحث‌های قرارگاهی، رفته رفته در جامعه شایع شده بود و در همین راستا، راهکار دیگری برای ختم جنگ از سوی بعضی از محافل جهانی مطرح شد و آن تصاحب مخازن نفت آن منطقه از سوی ایران به عنوان غرامت جنگ بود که فقط یک بخش از حقوق ما را تأمین می‌کرد و تنبیه متجاوز را تأمین نمی‌ساخت؛ گرچه این راهکار از سوی عراق و از طرف ما و از جانب قدرت‌های جهانی، جدی گرفته نشد.

\*\*\*

سیاست دفاعی کشور را پس از بحث‌های فراوان در قرارگاهها و شورای عالی دفاع، به این شکل مشخص کردیم:

- ۱- نجات ایران و عراق و منطقه از سرِ بعث عراق.
- ۲- رفع کامل اشغال ایران و تنبیه متجاوز و گرفتن غرامت.
- ۳- مقابله با فتنه‌انگیزی‌های استکبار در جهت تضعیف انقلاب و حمایت از صدامیان متجاوز.
- ۴- مقابله با شرارت‌های جنبی دشمن در زدن شهرها و کشتی‌ها و ایجاد ناامنی‌ها و جنایات جنگی، به ویژه کاربرد سلاح شیمیایی.
- ۵- در بُعد اجرایی، گرفتن نقطه‌های حساس و استراتژیک از عراق به عنوان وسیله‌ای جهت تأمین اهداف دفاع.

\*\*\*

مطرح شدن عملیات سرنوشت‌ساز، آثار فراوانی در ایران و عراق و جهان داشت. صدامیان که به شدت متوحش بودند، برای حفظ روحیه نظامیان و مردمشان، در داخل تبلیغات وسیعی به راه انداختند و در طول سال، این تبلیغات ادامه داشت و در صحنه جهانی، ماشین دیپلماسی عراق و کشورهای حامی‌اش، برای جلب امکانات مالی و نظامی و حمایت‌های سیاسی به کار افتاد که یکی از دستاوردهای این تلاش، گرفتن امکانات و چراغ سبز برای شرارت‌ها و جنایات جنگی و نیز تلاش‌های عربی و جهانی برای بستن دست ایران با استفاده از این ناامنی‌ها بود که در تمام دوران سال ادامه داشت و خوانندگان ما، نمونه‌های مهم آن را در این کتاب ملاحظه خواهند کرد که بخش مهمی از تاریخ حوادث سال در منطقه، ایران و عراق است.

\*\*\*

اما در ایران آثار آن فضا، ابعاد گوناگونی داشت:

اول، مشکلات فراوانی که از ناحیه آن شرارت‌ها و جنایات جنگی، دامنگیرمان می‌شد. از قبیل آسیب دیدن دهها کشتی حامل نفت و کالای و نیز زدن هواپیماهای مسافربری و هواپیماری‌های زیاد با استفاده از ضدانقلاب در ایران، به خصوص منافقان.

ناامن کردن شهرها با زدن موشک‌های دوربرد و بمباران‌های وسیع و گاه شیمیایی که با استفاده از امکانات فراوان قدرت‌های حامی خود به دست می‌آورد و اقدامات ایزدایی فراوان

دیگر که نمونه‌های آن را در کتاب می‌بینید.

این شرارت‌ها علاوه بر خسارات مالی فراوان، باعث سلب امنیت راههای هوایی و دریایی و سواحل ایران و بالا رفتن نرخ بیمه‌ها و مخدوش شدن حیثیت نظامی و دفاعی ایران و مجموعاً یک جنگ وسیع روانی علیه مردم و نیروهای مسلح ما و نشان دادن قدرت تهاجمی دشمن در مقابل قدرت نظامی ایران در جبهه و نیز جبران ضعف مفرط نیروهای نظامی عراق در جبهه‌ها به حساب می‌آمد.

دوم، با مشاهده قدرت رزمی رزمندگان در عملیات خیبر و وعده عملیات سرنوشت‌ساز برای ختم جنگ، توقع مردم و مسئولان بالا رفته بود و رفته رفته با تأخیرهایی که پیش آمد، این انتظار، فشار فوق‌العاده‌ای روی فرماندهان جنگ وارد می‌ساخت. در حالی که فرماندهان دفاع، مشکلات خاص خود را داشتند. بخشی از این مشکلات عبارت بود از:

۱- آماده نبودن یک طرح عملیاتی مورد قبول ارتش و سپاه، با توجه به سلیقه‌ها و روش‌های متفاوت در این دو بخش نظامی و جمع نبودن امکانات در دست یکی از آنها برای یک عملیات بزرگ. نیروهای رزمنده در یک طرف و تجهیزات مهم نظامی در طرف دیگر بودند. حتی در انتخاب منطقه عملیات هم نمی‌توانستند به توافق برسند، چون با دانش و تجربه متحد و شبیه هم عمل نمی‌کردند. تا زمانی که در خاک خودمان با دشمن اشغال‌گر می‌جنگیدند، این‌گونه مشکلات کمتر بروز می‌کرد، اما جنگیدن در خاک دشمن، تفاوت زیادی با دفاع در خاک خودی دارد. دشمن در خاک خود دارای استحکامات نیرومند بود و ارتش عراق در دفاع از خاک خود انگیزه بیشتری از دفاع در خاک ایران داشت.

در یادداشت‌ها ملاحظه خواهید کرد که چه مقدار وقت، صرف بررسی طرح‌های دو طرف و در جا زدن‌ها شده است.

۲- عدم وجود امکانات مالی و تجهیزاتی برای یک عملیات بزرگ در سرزمین دشمن که بایستی فرض طولانی بودن و وسیع بودن را محرز گرفت. گرفتن امکانات از خارج با فضای بین‌المللی که اشاره کردم، بسیار مشکل شده بود و تأمین نیازهای مالی و تدارکاتی داخلی هم با جدی‌تر شدن مشکلات مالی دولت سخت شده بود.

۳- اقدامات اصلی برای عملیاتی از آن نوع در مراحل اول کار، بیشتر بر دوش نیروهای داوطلب بسیجی و مردمی بود که علاوه بر نیاز زمانی برای آموزش و توجیه، به خاطر روشن

نبودن محل و طرح عملیات، منطقی نبود که نیروها آماده و اعزام شوند. معمولاً اینگونه نیروها برای حدود سه ماه می‌توانستند در اختیار جنگ باشند، گرچه در این دوره، شور و اشتیاق برای حضور در جبهه‌ها خیلی بالا بود.

سوم، در این شرایط صحبت‌ها و انتقادهای هم اوج گرفته بود و حتی دامن فرماندهی سپاه را چسبیده بود. جواب انتقادهای و رفع شبهات، هم مشکل بود و هم وقت‌گیر.

من فرماندهی جنگ را به عهده داشتم. از سوی دیگر ریاست مجلس را هم عهده‌دار بودم و توقعات رزمندگان این بود که به سرعت، نیازهای جبهه را به وفور تأمین کنیم. آنها مشکلات مالی و تدارکاتی و روابط خارجی دولت را کمتر می‌دانستند و افشاکردنی هم نبود و معلوم بود که اگر دولت از تأمین نیازهای ضروری جامعه غافل شود، پشت جبهه، دفاع و انقلاب دچار ضعف خواهد شد و جمع بین این دو نیاز مهم، بسیار مشکل داشت.

\*\*\*

با این توضیحات فشرده، خوانندگان محترم می‌توانند به عمق مسائل فراوانی که در یادداشت‌های روزانه کتاب می‌بینند، پی ببرند و یکی از عوامل پذیرفتن مسئولیت فرماندهی جنگ از سوی من هم همین مشکلات است.

در مقابله به مثل با شرارت‌ها، دشمن هیچ محدودیت انسانی، شرعی، اخلاقی، سیاسی، جهانی و تدارکاتی نداشت و ما در همه این زمینه‌ها محدودیت داشتیم. برای زدن یک شهر یا یک کشتی و ... خیلی چیزها را باید مراعات می‌کردیم. نمی‌توانستیم مردم عراق را به جرم جنایت بعضی‌ها کیفر بدهیم. آنها را همراه انقلاب اسلامی مان می‌دیدیم؛ حتی بسیاری از نظامی‌های آنان در دوران اسارت، این حقیقت را ثابت کردند و همان‌ها، امروز سرمایه مردم عراق در مقابل شرارت‌های شورشیان و اشغال‌گرانند.

البته این شرارت باعث شد که ما به فکر تهیه امکانات برای این نوع از تجاوزات برآیم که یکی از آنها، جدی گرفتن تهیه موشک‌های دوربرد است که در دو فاز شروع شد:

۱- تهیه موشک از خارج که در این بخش تا حدودی موفق شدیم و در اینجا باید از کشور لیبی و شخص آقای معمر قذافی قدردانی داشته باشیم.

۲- در ساخت موشک، کار را از صفر شروع کردیم و به سرعت پیش رفتیم. اواخر دوران

دفاع موفق به بهره‌برداری، هم از موشک‌های میان برد با طراحی و ساخت داخلی شدیم و هم موشک استراتژیک شبیه تاو - که در میدان جنگ زرهی بسیار کارساز است - و در ادامه کنار، امروز کشورمان به فضل الهی، یک صنعت مستقل موشک‌سازی از همه نوع آن دارد.

اینها و عوامل دیگر باعث شد که تا آخر سال، نیروهای مسلح ما نتوانند عملیات مورد انتظار را انجام دهند و وقتی هم که عملیات بدر انجام شد، اهداف مورد نظر را تأمین نکرد، اما این مقدمات و این تجارب، ما را برای عملیات بزرگ و مهم دیگری آماده کرد که نمونه‌های مهمتر آنها در عملیات فاو، شلمچه، حلبچه، والفجر ۸، کربلای ۵ و ... تجلی دارد. البته در این دوره رکود، چند عملیات کوچک و متوسط در جبهه‌ها انجام شد از قبیل ظفرها و عاشوراها که جنگ از نفس نیفتد.

## ۲- مجلس

انتخابات دوره دوم مجلس، باعث التهاب‌های سیاسی زیادی در کشور شد و لرزه‌ها و پس لرزه‌های آن، تقریباً تمام سال را تحت تأثیر گرفته بود.

اختلافات جناحی و فردی و منطقه‌ای در تبلیغات انتخابات مجلس، میان نیروهای وفادار به انقلاب بروز کرد و به خاطر کمی تجربه دموکراسی، آثار عمیقی به جای گذاشت. این اختلافات یکپارچگی مورد نیاز دوران جنگ را مخدوش کرد و بسیار وقت‌گیر بود. متأسفانه هنوز هم انتخابات‌های ما این خسارات را به بار می‌آورد و بدتر هم شده است.

من، هم در کانون جنگ و هم در کانون مجلس بودم و انبوه مراجعات، توقعات و شکایات، خسته‌کننده بود و عملاً سنگ صبور این گرفتاری‌ها بودم. ناگفته پیداست که در اینگونه موارد، کار زیادی هم نمی‌شود کرد و چون در حزب جمهوری اسلامی و روحانیت مبارز - که دو مرکز تأثیرگذار در انتخابات بودند - عضو بودم، توقعات را به حق از من بیشتر می‌کرد. آقای زرهانی نماینده دزفول در توصیف فضای انتخاباتی، شعری طنزگونه سروده بودند که خواندن آن بخشی از واقعیت‌های آن زمان را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

در این کتاب بسیاری از واقعیت‌های تاریخی موجود با اشاره فشرده و فهرست‌وار دیده

۱ - بخشی از این شعر بلند، در پایان کتاب در قسمت ضمیمه آمده است.

می‌شود.

\*\*\*

یکی از مشکلات نظام در این دوره، هنوز اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس و دولت در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود که در چالش‌های بین مجلس و شورای نگهبان در مصوبات بروز می‌کرد. یکی از موارد مهم آن مسأله مالیات بود که بخشی از جناح راست آن را مخالف احکام اولیه می‌دانست و استفاده از آن را در حد ضرورت و حکم ثانوی و موقتی قبول داشت و طرف دیگر آن را حکم اولی و رکن مهم در اداره کشور و اقتصاد سالم می‌دید.

در این میدان، اظهارات سخنگوی شورای نگهبان و ... از یک طرف و اظهارات دولت و بخشی از مجلسی‌ها از سوی دیگر و نامه مهمی که در این خصوص، اینجانب به امام(ره) نوشته‌ام و از ایشان درخواست کرده‌ام که به عنوان وظیفه رهبری و مرجعیت، این مشکل نظام و کشور را مورد بررسی قرار دهند و چاره‌ای بفرمایند و در مقدمه نامه، آن را به حق تاریخی توصیف کرده‌ام، قابل ذکر است.<sup>۱</sup>

### ۳- حزب جمهوری اسلامی ایران

در همان هفته اول پس از پیروزی انقلاب، ضرورت وجود حزب نیرومند برای اداره کشور محسوس شد و تا آن زمان، امام اجازه تأسیس حزب را علی‌رغم درخواست‌های مکرر دوستان ما نداده بودند.

در یک ملاقات تاریخی، موفق شدم موافقت امام را به تأسیس حزب جلب کنم و بلافاصله با همکاری و تلاش همه جانبه آیات خامنه‌ای، بهشتی، موسوی اردبیلی و یاهنر به عنوان هیأت مؤسسين حزب، کار را آغاز کردیم و چون در گذشته، مقدمات کار آماده شده بود و فقط منتظر چراغ سبز رهبر و بنیان‌گذار انقلاب بودیم، توانستیم یک هفته پس از پیروزی انقلاب در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۸ تأسیس حزب جمهوری اسلامی را اعلان کنیم.

امت اسلامی مان که با دیدن تحركات مزاحم ده‌ها حزب و گروه دیگر، عطش و اشتیاق زیادی

۱ - متن کامل این نامه در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

برای تشکیلات مورد اعتماد سیاسی - مذهبی از متن انقلاب داشتند، با وسعت و گرمی استقبال کردند و در سراسر کشور، نام نویسی و تأسیس دفاتر و ... آغاز شد و این ابتکار، موج عظیمی را در سطح داخلی و خارجی به وجود آورد و بازتاب‌های گوناگونی داشت.

یکی از شخصیت‌های سیاسی سابقه‌دار و صاحب‌نظر، در یک مذاکره تلفنی به من تبریک گفت و تأکید کرد، اگر بتوانید این کار را خوب اداره کنید، از اصل انقلاب مهم‌تر است. شاید همین رشد بالاتر از یادگنکی، از عوامل ناکامی‌های سال‌های بعد باشد.

\*\*\*

مایل بودیم که از همه سلیقه‌ها در حزب حضور داشته باشند و به همین دلیل در شورای مرکزی و مدیریت واحدها از سلیقه‌های راست، چپ، تندرو، محافظه‌کار، معتدل، اصناف و بخش‌های جامعه استفاده شد. احتمالاً این هم یکی دیگر از عوامل درگیری‌ها و ناسازگاری‌های بعدی است. معمولاً احزاب دنیا، چنین جامعیتی را نمی‌خواهند و شاید با اهداف حزب هم ناسازگار باشد.

در سال ۶۳ تحت تأثیر انتخابات مجلس دوم، این ناسازگاری‌ها آثار خود را نشان داد و تلاطمی نفس‌گیر و مخرب در مراکز تصمیم‌گیری - منجمله در شورای مرکزی حزب - به وجود آمد. سه گروه چپ و راست و میانه، درگیر مشاجرات بی‌پایان شدند و جلسات بررسی و رسیدگی نتیجه بخش نبود و بخشی از این اختلافات به سمع امام هم می‌رسید و ایشان را هم نگران می‌کرد. اسناد قابل توجهی از آن بحث‌ها وجود دارد که بجاست برای غنای تاریخ و انتقال تجربه منتشر شود. نامه‌هایی از جریان رادیکال به آیت‌الله خامنه‌ای - که آن روز دبیر کل حزب بودند - و من داده شده که بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

\*\*\*

در انتخابات مجلس دوم، رخنه‌های دیگری هم در حزب به وجود آمد که آثار تخریبی آن، شاید بیش از اولی باشد. معلوم است که حزب در نامزد کردن داوطلبان نمی‌توانست به همه

۱ - متن کامل نامه پنج تن از اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی به دبیر کل در بخش ضمیمه این کتاب به چاپ رسیده است.

توقعات، جواب مساعد بدهد و بسیاری از افراد لایق یا مدعی لیاقت، پشت در ماندند و این گزینش‌ها، رنگ و لعاب جناحی و بانندی هم گرفته بود و نارضایتی‌های وسیعی را در سطح کشور به وجود آورد. نبود آموزش، تربیت، انضباط، تجربه، تعهد حزبی و کار تشکیلاتی هم کار را سخت‌تر کرد و حتی کنگره حزب در معرض خطر قرار گرفت و بعضی اعلان عدم حضور در کنگره کردند.

\*\*\*

سرانجام ضربه کاری را نگرانی امام از اختلاف، انحصار و انحراف به حزب وارد کرد و ایشان پس از بی‌اثر دیدن نصایح مشفقانه، شروع به تراشیدن حزب کردند. ابتدا ائمه جمعه را از عضویت در حزب ممنوع کردند؛ البته من و آیت‌الله خامنه‌ای را مستثنی نمودند. شاید به خاطر نگرانی از نفوذ این عوامل و فرقه‌بازی در تربیون‌های نماز جمعه - که باید فراجناحی باشند - و حزب هم قرار بود فراجناحی عمل کند که نکرد.

در مرحله دوم، افراد بسیج را از عضویت در حزب منع فرمودند که عملاً بخش مهمی از بدنه حزب را لاغر می‌کرد و جدایی این دو بخش کیفی و ارزشی، کارایی و اعتبار حزب را کاهش می‌داد.

چون اخطارها و اقدامات عملی را هم در رفع اختلافات و چالش - که در مجلس و دولت هم دیده می‌شد - مشکل‌گشا ندیدند، به فکر انحلال حزب افتادند و در این مراحل حرکت امام، مرحوم حاج احمدآقا معمولاً مستقیم یا از طریق خود من، مسائل را برای چاره‌جویی به حزب منتقل می‌کردند، که چاره هم نشد.

بالاخره با ارزیابی موقعیت حزب در جامعه، هیأت مؤسس و شورای مرکزی با بحث‌های طولانی به این نتیجه رسیدند که به جای انحلال، فتیله حزب را پایین بیاورند و موجودیت حزب محفوظ باشد که شاید در آینده در شرایطی دیگر به کار آید.

آیت‌الله خامنه‌ای و من در این خصوص در جلسه‌ای با امام مذاکره کردیم و امام هم همین را به مصلحت دانستند و پس از آن، ما پایین کشیدن فتیله و خاموشی مشعل حزب را با اظهار امید به تجدید شعله حزب اعلان داشتیم و متأسفانه هنوز هم، شرایط تجدید حیات حزب به وجود نیامده و بسیاری از امکانات حزب هم تحت نظر دبیر کل حزب، به جاهای مناسب دیگر واگذار

شده و بخشی دیگر منجمله اسناد مهمی هم وجود دارد.

به امید عاقبت به خیری این نهاد ارزشمند که در چند سال اول تأسیس، نقش بی‌بدیلی در نجات انقلاب از دست ناهلان و برگزاری انتخابات‌های مؤثر در سرنوشت انقلاب ایفا کرد. در مقدمه وارد جزییات این قطعه مهم تاریخ نمی‌شویم و خوانندگان، ضمن مطالعه خاطرات، چیزهای زیادی - بیش از آنچه در این سطور اشاره کردم - به دست می‌آورند.

#### ۴- دولت

ترکش تنازعات خطی و جناحی، دولت را تحت فشار داشت. انتقادات فراوانی به سیاست تمرکزگرایی و دولتی کردن دولت بود که در مسائل مالیات، بازرگانی، انتخابات و موارد دیگر خود را نشان می‌داد و درون دولت هم قبلاً همین اختلاف نظرها بود. اقدام نخست وزیر به گرفتن رأی اعتماد - به گونه متفاوت از رسم جاری - و مشکل تعیین چند وزیر هم مدتی طولانی، وقت گیر و مشکل آفرین بود.

در این میدان، تنش‌ها دارای پروژات دو سطح جامعه بود و گاهی نگرانی آور؛ به خصوص تحت تأثیر ترکیب مجلس دوم. پادزهر این سموم، انفاس مقدس امام راحل بود که گاه گاهی با عصای معجزه‌آسای نصیحت یا نهیب، سطح برونی را آرام می‌کردند؛ اما درون وضع دیگری داشت. در این میان در سخنرانی‌های امام، انتقادهایی هم از مسئولان و مشکلات کشور وجود داشت که موارد آن در دستگاه اجرایی بیشتر بود و از همین رهگذر، تحلیل‌ها برای بهره‌گیری از گفته‌های علیه دولت با طرف مقابل، بخشی از چالش‌های جاری و مداوم آن سال بود و نمونه بارز آن خطبه جمعه تاریخ ۱۳۶۳/۶/۱۶ من و عکس‌العمل جناح مقابل دولت است که مکاتبات مهمی به دنبال داشت.<sup>۱</sup>

#### ۵- سیاست خارجی

نگرانی استکبار از شکست مقاومت بعث عراق و پیروزی ایران، باعث شیطنت‌های فراوان و مزاحمت‌های زیاد قدرت‌های استکباری و ارتجاع منطقه و صهیونیسم در این سال علیه ایران

۱- متن کامل نامه اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی در بخش ضمیمه این کتاب به چاپ رسیده است.

بود. علاوه بر دادن تجهیزات پیشرفته و چراغ سبز به عراق، برای شرارت و ارتکاب جنایات جنگی علیه ایران، موارد مهم دیگری هم بروز کرد:

۱- تحریک و مساعدت تروریست‌ها، به خصوص منافقین و سلطنت‌طلبان به عملیات تروریستی و ربودن هواپیماها که ناامنی زیادی برای هوانوردی ایران داشت و برای خنثی کردن آن مجبور به گماردن گاردهای حفاظت در پروازها شدیم. با این تدبیر که برای کشور، هزینه‌های مالی و انسانی و حیثیتی داشت، موفق به تأمین نسبی امنیت پروازها شدیم که هنوز هم ادامه دارد.

۲- متهم کردن ایران به هواپیماربایی در مواردی که عملیات مشکوکی در آن فضای آلوده رخ می‌داد و هواپیمای ربوده شده‌ای به ایران یا لبنان برده می‌شد؛ علی‌رغم اینکه ایران در حل مشکل با اهداف انسانی کمک می‌کرد. این تهمت‌های ناروا برای کم کردن فشار از روی تروریست‌های عامل استکبار و خودشان بود.

۳- تهدید به دخالت نظامی در منطقه به بهانه ناامنی خطوط کشتیرانی و انتقال نفت که خود معلول شرارت‌های برنامه‌ریزی شده خودشان و به دست صدام بود و استناد به مواردی از عملیات مقابله به مثل که در حد ضروری و بازدارندگی از سوی نیروهای ما انجام می‌شد.

با اینکه مشخص بود ارتش عراق با استفاده از تجهیزات پیشرفته آنها و اطلاعات و گذاری و بهره‌گیری از امکانات موجود در سواحل جنوبی خلیج فارس شرارت می‌کرد و می‌دانستند که اگر ایران سیاست ناامن کردن این آبره را داشت، با حضور چشمگیر و بی‌رقیب خود در سراسر خلیج فارس و تنگه هرمز و دریای عمان به آسانی از عهده انجام آن برمی‌آمد.

معلوم بود که ایران به خاطر نیاز شدید به درآمد نفت و وابستگی به کشتیرانی امن در این آبراه، با قاطعیت پاسدار امنیت منطقه است و مواردی از مقابله به مثل هم در مسیر سیاست حفظ امنیت خلیج فارس بود. در همین راستا، ایران آتش بس پیشنهادی ژاپن در دریا و سپس سازمان ملل در مورد حمله به اهداف غیر نظامی را پذیرفت.

۴- تحریک کشورهای همسایه و منطقه برای ایجاد مزاحمت علیه ایران که نمونه بارز آن درگیری هواپیماهای نظامی عربستان با هواپیماهای نظامی ایران بود که بر فراز خلیج فارس در حال مأموریت بودند و سقوط یک فروند هواپیمای ایران و اسارت یک خلبان به وقوع پیوست. اگر چه این حادثه - که می‌توانست منشاء حوادث مهمی شود - با خویشتن‌داری ایران و

دیپلماسی موثر ما خاتمه یافت. شاه عربستان برای تلطیف فضای بحرانی، از من برای زیارت حج، دعوت به عمل آورد که خود آن هم، مدتی محور اظهارات مثبت و منفی در داخل و خارج بود.

نمونه‌های دیگر آن، فشار بر ترکیه و بعضی کشورهای دیگر بود در جهت محدودتر و تنگ‌تر کردن این مسیرها که عملاً فشارهایی بر اقتصاد و زندگی و بازرگانی ما بود، که راه عبور و ترانزیت کالا برای ما بودند.

به طور کلی از این سال تا آخر جنگ، سیاست حامیان صدام، تضعیف منابع مالی ایران به منظور ایجاد اشکال در لجستیک و تدارکات و نیازهای جنگ و اداره کشور بود که از رهگذر مضیقه‌های اقتصادی، مجبور به کوتاه آمدن در جنگ شویم و بالاخره هم این سیاست و اعمال فشار در تصمیمات نهایی ایران بی‌تأثیر نبود.

۵- در همین جهت، در دریای سرخ در این سال حوادثی رخ داد که دستمایه‌ای برای جنگ روانی علیه ما و زمینه‌ای برای فشار بیشتر و حتی دخالت نظامی استکبار شد. در زمان محدودی در اثر انفجار چند مین یا حملات قایق‌های ناشناس، چند انفجار در دریای سرخ رخ داد و بوق‌های تبلیغاتی غرب، انگشت اتهام را به سوی ایران اشاره کردند؛ شبیه همان وضع در هواپیما رهایی‌ها و انفجارات لبنان. موج تبلیغات زمانی آرام شد که شواهدی بر دست داشتن اسرائیل و یا سازمان سیا در آن انفجارها به دست آمد.

۶- ضربات کاری که مجاهدان لبنانی در بیروت بر پیکر اشغالگران لبنان وارد کردند از قبیل انفجار سفارتخانه و مراکز استقرار نظامیان اشغالگر، یکی دیگر از بهانه‌های فشار و تهدید علیه ایران اسلامی شده و بروزات زیادی در خاطرات این سال دارد.

۷- از اقدامات نشاندار و سئوال برانگیز آمریکا در جهت حمایت از عراق و خروج از بی‌طرفی ادعایی، پذیرش خروج صدامیان از جرگه حامیان تروریسم است. این گونه اتهام‌ها از راهکارهای شناخته شده آمریکا برای فشار بر مخالفان خود در تاریخ جدید بوده و هست و معمولاً با حربه حقوق بشر و تروریسم و امثال اینها، کشورها و جریانات موافق یا مخالف خود را تنبیه و یا تشویق می‌کند و به خاطر بی‌ضابطگی و گزینشی عمل کردن، این حربه‌ها در سطح جهان کند شده، ولی قدرت‌های غربی، به خصوص آمریکا حاضر نیستند از این حربه زنگ زده و نخ نما دست بردارند و اگر بتوانند در تصمیمات نهادهای بین‌المللی هم از آن بهره‌گیری می‌کنند.

بی‌پروایی را در استفاده از این عناوین به جایی رسانده‌اند که با این همه ترور و وحشت‌آفرینی بعث عراق و استفاده گستاخانه از منافقین در ترورها و هواپیماربایی‌ها و ترور و کشتار وسیع مخالفان صدام در داخل عراق، جایزه خروج عراق از زمره حامیان تروریسم به صدام داده می‌شود و ایران مظلوم و قربانی بزرگ تروریسم، متهم به حمایت از تروریسم می‌شود.

۸- سوء استفاده اسرائیل و آمریکا از مسائل جنگ و شرارت‌ها به حدی رسید که دامن فلسطینی‌ها را هم گرفت و در ارتباط با مسائل لبنان و حوادث دیگر، بهره‌گیری زیادی به نفع اسرائیل و علیه مردم فلسطین شد.

کار این سوء استفاده‌ها به جایی رسید که سازمان فتح و شخص عرفات به فکر چاره جدید و پاک کردن دامن خود از آلودگی‌های بعث عراق و اوتجاع عرب افتادند و در این رهگذر مرحوم یاسر عرفات، یک نامه تاریخی با پیک ویژه برای اینجانب فرستاد که در آن افشاگری‌هایی علیه بعث عراق و بعضی از قدرت‌های عربی منطقه دارد و برای نجات ایران و منطقه پیشنهادهایی دارد که به خاطر اینکه پیشنهاد پذیرش آتش‌بس به تلاش در جهت نجات صدام تفسیر شد، مورد قبول ایران قرار نگرفت. متن آن سند، تاریخی است، به خصوص اظهارات پیک ویژه به عنوان تکمیل متن نامه که شفاهاً ابلاغ شد و جواب من.<sup>۱</sup>

\*\*\*

در خاطرات به مسائل مهم فراوانی برخورد می‌کنید که مختصر یا مفصل مطرح شده که لازم نیست به همه آنها در مقدمه اشاره شود، به جز در چند مورد مهم‌تر از قبیل:

۱- واگذاری حقوق و وظایف هیأت موسس دانشگاه آزاد اسلامی و بنیاد تاریخ به من به خاطر اینکه در اثر وجود مسائل فراوان در جلسات سران کشور، معمولاً به این مسائل نمی‌رسیدیم و امور آنها را دچار رکود و تأخیر می‌کرد و مقرر شد که من به تنهایی تصمیم‌گیری کنم و عقب‌ماندگی‌ها را جبران نمایم.

۲- بحث‌های مربوط به صداوسیما بسیار وقت‌گیر بود. معمولاً روزهای شنبه که مجلس

۱- این نامه در بخش ضمیمه کتاب به چاپ رسیده است.

جلسه نداشت، جلسات شورای سیاستگذاری سازمان صداوسیما در منزل خود من تشکیل می‌شد و من به عنوان رئیس شورای سرپرستی، وقت زیادی به آن اختصاص می‌دادم و از ارتباط آسانم با امام، برای حل مشکلاتی که از ناحیه نامشخص بودن سیاست‌های ارزشی، فرهنگی و سیاسی و توقعات قوا و جریان‌ها و نهادها استفاده می‌شد و نیز موارد مربوط به سران قوا را در جلسه سران حل می‌کردیم. گاهی هم اعضای شورا در جلسات سران قوا شرکت می‌کردند و به خاطر شکل نگرفتن سیاست و چارچوب‌های رسانه ملی در انقلاب، نیاز به مراقبت و نظارت وسیع و شدید بود و به موارد بسیاری در این کتاب برمی‌خورید.

۱- اختلافات سپاه با دادستان انقلاب و نیز با وزارت تازه تأسیس اطلاعات هم بسیار وقت‌گیر بود. چون مسئولیت دخالت‌های زیادی در هر دو مورد داشت و حدود و ثغور آن مشخص نشده بود، به خصوص اطلاعات که تداخل زیادی از جهت اطلاعات نظامی و غیر نظامی و موارد مشترک داشت. اختلافات بخشی از نیروهای خود سپاه با فرماندهی آن هم مشکلاتی برای جنگ و صرف وقت و انرژی زیاد داشت.

### حرف آخر

خاطرات و کارنامه سال ۱۳۶۲ با عنوان «آرامش و چالش» چهار سال پیش انتشار یافت و مورد استقبال قرار گرفت و اکنون همانند کتاب‌های «دوران مبارزه»، «عبور از بحران» و «پس از بحران» نایاب است و برنامه‌ای برای چاپ مجدد این کتاب‌ها در دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران جریان دارد.

علت اینکه بعد از گذشت چهار سال، خاطرات و کارنامه سال ۱۳۶۳ به خوانندگان قهیم عرضه می‌شود، دغدغه خاطری بود که از عدم تدوین و انتشار خاطرات مربوط به سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ داشتم.

اگر خوانندگان با مجموعه خاطرات اینجانب آشنا باشند، می‌دانند که خاطراتم تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در مجموعه دو جلدی «دوران مبارزه» با استفاده از حجم انبوه اسناد و مدارکی که از فعالیت‌های من در ساواک موجود بود، آورده شده و کارنامه و خاطرات سال‌های ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ نیز به استناد مطالبی که از حوادث مهم داخلی و خارجی به صورت روزنوشت در صفحه‌ای از تقویم متعلق به همان روز نوشته‌ام، پس از تنظیم نهایی منتشر شده

است.

اما در این میان، علی‌رغم اهمیت فوق‌العاده سال‌های آغازین انقلاب به جهت اینکه یادداشت‌های منظمی از حوادث و رویدادهای آن سال‌ها نداشتم و بعدها نیز فرصتی برای تنظیم خاطرات این دوره به دست نیاورده بودم، خاطراتم تدوین و انتشار نیافته بود. خدای را شکر می‌کنم که به من این توفیق را داد که در حیات خود شاهد آماده شدن، تنظیم و انتشار خاطرات مربوط به این سال‌ها در قالب کتاب‌های «انقلاب و پیروزی» و «انقلاب در بحران» باشم. بنابراین حاصل وقفه برای ادامه انتشار کارنامه و یادداشت‌های روزنوشت، تکمیل خاطرات بوده است و اکنون انتشار کتاب‌ها به شکل کامل و توالی تاریخی به تدریج انجام خواهد شد.

همان‌گونه که در کتاب‌های قبلی نیز یادآور شده‌ام، تقریباً تمام یادداشت‌ها به همان‌گونه که در آن زمان نوشته شده، چاپ و منتشر می‌شود و اصلاح و تغییر و حذف و تکمیل، جزئی و محدود به اصلاح‌های لفظی و ادبی و ویراستاری است.

همچنین در مواردی برای حفظ آبروی اشخاص یا حفظ اسراری که هنوز زمان افشای آن مناسب نیست و یا توضیحات مطالب مبهم برای امروزی‌ها که در گذشته روشن بوده و چیزهای دیگری در این حدود، اصلاحات جزئی شده است.

امیدوارم دفتر نشر معارف انقلاب بتواند از این به بعد هر سال خاطرات و کارنامه یکساله اینجانب را به همراه سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، پیام‌ها، خطبه‌های جمعه و نطق‌های پیش از دستور در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ انقلاب و کشور بگذارد و مطمئنم که سلسله نشریات می‌تواند مرجع مطمئنی برای پژوهشگران تاریخ انقلاب باشد.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۸۵/۵/۱

## یادداشت ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای بزرگ را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا صفحه دیگری بر تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی بیفزاییم. کتاب «به سوی سرنوشت؛ کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳» در ادامه کتابهای دوران مبارزه، انقلاب و پیروزی، انقلاب در بحران، عبور از بحران، پس از بحران و آرامش و چالش، خدمت خوانندگان فهیم و ارجمند تقدیم می‌شود.

در این کتاب با توجه به نقش حساس و تعیین کننده نویسنده، نکات بسیار مهم و ناگفته‌ای بیان شده است که پژوهشگران و مورخان را در تدوین تاریخ معاصر ایران، انقلاب و جنگ یاری خواهد کرد. در سال ۱۳۶۳ آیت الله هاشمی رفسنجانی علاوه بر فرماندهی جنگ، ریاست مجلس شورای اسلامی و نمایندگی حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع را عهده‌دار بوده و عملاً در تصمیم‌گیریهایی مربوط به سیاستهای کلان کشور، نقش برجسته داشتند.

به همین دلیل مطالبی که به قلم ایشان در آن روزها نوشته شده علاوه بر اهمیت روایی و سندی، نشان دهنده بخشی از تفکر، روحیه و عمل مسئولان کشور در آن سالها است. مطمئناً این دست نوشته‌ها در تدوین واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی نقش ارزنده و مفید خواهد داشت. دفتر نشر معارف انقلاب در طول بیش از یک دهه فعالیت مستمر در زمینه گردآوری، آماده‌سازی و انتشار آثار مربوط به تاریخ انقلاب اسلامی، توانسته است ۲۵ عنوان کتاب را روانه بازار کتاب نماید. ضمن اینکه به همین تعداد کتاب را آماده انتشار دارد. این کتابها در زمینه

کتاب‌شناسی هاشمی رفسنجانی و مجموعه‌های جنبی خاطرات شامل مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، پیامها، نطق‌های پیش از دستور و خطبه‌های نماز جمعه می‌باشد. همچنین کتابهای دیگری نیز دربارهٔ مسایل مربوط به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تهیه و تدوین شده است که دفتر نشر معارف انقلاب به چاپ و نشر این کتب کمک کرده است. مانند کتابهای انصراف، نقدنا تمام، کارنامه مجمع تشخیص مصلحت نظام، فلسطین و انتفاضه و ...

استقبال روز افزون پژوهشگران، مورخان و علاقمندان به نشر فرهنگ انقلاب اسلامی به ما دلگرمی و انگیزه مضاعف می‌دهد که تلاش خود را افزون‌تر کنیم و به حول و قوه الهی از این پس، عرضه کتابهای جدید سرعت بیشتری به خود خواهد گرفت.

اکنون تعداد ۲۵ جلد خاطرات روز نوشت (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵) در دست ماست که با این کتاب که پیش رو دارید، چهار جلد انتشار یافته و ۲۱ جلد دیگر در برنامه آماده‌سازی و انتشار قرار دارد. دفتر نشر معارف انقلاب امیدوار است با حمایت بیشتر نهادهای فرهنگی از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توفیق عرضه سریع مجلدات را به شما عزیزان به دست آورد.

دفتر نشر معارف انقلاب نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد تا متونی صحیح، پاکیزه و روان با اسناد دست اول و عکسها، نقشه‌ها و مستندات تاریخی را انتشار دهد. در این مسیر نیازمند یاری هموطنان فرهیخته و بزرگواری هستیم که با ارسال عکس، سند و نامه‌های تاریخی در این کار بزرگ فرهنگی سهیم باشند.

از درگاه خداوند سبحان مسئلت می‌نمائیم توفیقات خود را بر ما ارزانی دارد تا بتوانیم در خدمت فرهنگ ایران اسلامی باشیم و سهم خود را در انجام وظایف تاریخی به خوبی اداء کنیم. در پایان لازم می‌دانم از تلاشهای همکارانم در دفتر نشر معارف انقلاب سرکار خانم کاشانی‌زاده، جناب آقایان سید علی نقی موسوی، داریوش باریکانی، جلال خیمه‌کبود، مجید اسدی، مسعود هاشمی و ویراستار مجموعه جناب آقای قادر باستانی قدردانی و تشکر کنم.

دفتر نشر معارف انقلاب

محسن هاشمی

زمستان ۱۳۸۵